

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ سپتمبر ۲۰۲۱

عکس العمل ضعیفی مقابل تحقیر و اهانت شدید!

پنجشنبه ۰۱ میزان ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه به خبر های روز گذشته توجه نموده باشید حتماً متوجه شده اید که متولیان مساجد و مدارس به دنبال اشغال تقریباً کامل افغانستان و سرکوب خونین رسانه ها و به بند افکندن ده ها زن، فرصت را مغتنم شمرده، با مقرر نمودن یک تن از فارغ التحصیلان قبلی پوهنتون کابل به نام "محمد اشرف غیرت" که به گفته هم صنفی هایش تمام دوران تحصیل را به "کون لچک" و نقل به اتمام رسانده به حیث رئیس پوهنتون کابل بزرگترین تحقیر و اهانت را به آدرس بزرگترین و سابقه دار ترین مرکز تحصیلات عالی کشور و بیش از ۹۰۰ استاد شاغل در آن که بیش از ۶۰ درصد آنها دارای درجات علمی ماستری و داکتری و حد اقل بیش از ۴۰ درصد از آن جمع رتبه های علمی "پوهنوال" و "پوهاند" دارند، روا داشت.

این حرکت آنقدر زننده، زشت و غیر علمی بود که به گفته مردم کابل "از کلوخ آتش پریده" استادان پوهنتون ها را که در جریان دهه های اخیر اکثراً برخورد منفعلانه داشته از موضعگیری علیه حاکمیت ها فرار نموده اند، وادار ساخت تا از طریق اتحادیه سراسری استادان تمام پوهنتون های افغانستان اعلامیه ای صادر و از طالبان بخواهند تا حین مقرری ها در مؤسسات علمی، شایسته سالاری و تخصص افراد و رتبه های علمی و سوابق خدمت آنها را در نظر بگیرند. - با تأسف این اعلامیه در هیچ یک از رسانه های تحت نفوذ حاکمیت طالبی اعم از دولتی و به اصطلاح شخصی اجازه انتشار نیافت.

از قرار شنیدگی ها، استادان پوهنتون کابل به خصوص استادان پوهنهی حقوق و علوم سیاسی تنها به صدور اعلامیه بسنده نکرده، حاکمیت را تهدید به استعفا جمعی نیز نموده اند.

هموطنان گرامی!

از نظر من موضوع پوهنتون و تقرر یک تروریست طالبی که همین حالا دامنش به خون صد ها هموطن ما لکه دار است و صرف بر مبنای تعلق به باند غاصب قدرت در افغانستان به چنین کرسی و مقامی گماشته شده است، تنها تحقیر پوهنتون و اهانت به استادان نبوده، بلکه در نفس خود اهانت به علم و دانش و زیر سؤال بردن آینده ۱۲ هزار محصلی که هم اکنون در پوهنتون کابل به تحصیل مشغول اند و به هزاران محصلی که در آینده به این مرکز علمی خواهند آمد، می باشد و از همین رو پاسخگوئی به چنین تصمیمی محدود به استادان پوهنتون گابل نشده در گام نخست محصلان می باید بر جبن و محافظه کاری برخاسته از سلطه طالب غلبه نموده، به حمایت از استادان شان حرکت نمایند و به حمایت از آنها تمام مردم افغانستان.

هموطنان گرامی!

من بارها بر این نکته پافشارده ام که جنگها در ۴ دهه اخیر در بطن خود تضاد "معارف عصری" و "مدارس مذهبی" را که از ۱۰۰ سال و اندی بدین سو در جامعه ما به مثابه یک زخم باز و گاهی خونچکان وجود داشته و دارد، نیز حمل می نماید. در این جنگ خلاف بخش "معارف عصری" که در مبارزه اش علیه "مدارس مذهبی" عمدتاً بر خورد آگاهگرانه داشته، "مدارس مذهبی" هر زمان و هرجائی که فرصت یافته از تحقیر و اهانت معلم به مثابه نماینده "معارف عصری" آغاز و با تصفیۀ جسدی خودش و حتا تصرف اجباری همسرش سلطۀ وحشیانه و ضد انسانی اش را کامل ساخته است. بزرگترین مؤید این ادعا، کشتارهای بیرحمانه و ضد انسانی هزاران معلم در داخل و خارج کشور به وسیله باندهای داعی اسلام سیاسی است در ۴ دهه اخیر.

هموطنان گرامی!

آنهایی که امروز به نمایندگی از مساجد و مدارس مذهبی، قدرت و حاکمیت را در دست دارند، کسانی نیستند که از مدارس اسلام سنتی کشور فارغ شده باشند، بلکه اینها به خصوص رهبران شان کسانی اند که از شعب و شاخه های مدرسه "دیوبند" ساخت انگلیس فارغ شده برای آنها اسلام و دین چیزی به جز ابزار رسیدن به قدرت معنای بیشتری ندارد. مدرسه "حقانیۀ" پاکستان به مثابه بزرگترین نماینده مدارس "دیوبندی" در مقطع حاضر محلی است که در آن افرادی چون "مولوی جلال الدین حقانی" و پسران و برادرانش تربیت شده اند. آنها حین دخول به این مدرسه، به اطفالی شبیه بوده اند که به جای شیر مادر، چرک و ریم و خون جاسوسی مکیده باشند.

اینها در تمام عمر شان جهت پوشاندن ماهیت استخباراتی و ضد ملی شان، همیشه کوشیده اند تا عقیمانده ترین افکاری را که کدام زمانی کدام ملای احمق نگاشته است، مستمسک قرار داده از همان زاویه علیه علم، دانش و در کل معرفت موضع بگیرند. از نظر اینها بازار قصه خوانی پشاور و چرندیاتی که در آنجا به فروش می رسد، بالاتر و بر تر از مراکز دانشگاهی آکسفورد و هاروارد بوده، علم فقط همان است که فلان و یا بهمان شیخ و ملا و مولوی گفته باشد.

هموطنان گرامی!

همان طوری که نوشتم دست درازی های طالب به پوهنتون و این مرکز علمی افغانستان را به دم خر بازار قصه خوانی پشاور بستن، جنایت و خیانتی است که سکوت در قبال آن نه تنها آینده فرزندان و آینده کشور ما را نابود می نماید، بلکه چنین سکوتی کمتر از همراهی و همسوئی و در نتیجه اشتراک در خیانت با آنها نیست. بیائید اکنون که استادان پوهنتون شروع نموده تا خود را حرکت دهند، آنها را تنها نگذاریم و به حمایت از آنها بر آمده در حد توان طالب را در سنگرهای شان میخکوب نماییم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!